

Critical Discourse Analysis of Marzbannameh Based on Norman Farklaf's Theory (Case study: The Story of Zirak and Zarvi)

Isaa Najafi*/ Farahnaz Heydari Nasab**

Abstract

Critical discourse analysis is an interdisciplinary branch of linguistics that examines the hidden power relations and ideological processes in linguistic texts to analyze the sociology of language. Marzbannameh is one of the allegorical texts of pre-Islamic Iran in which the author deals with the pathology of socio-political issues of his time or previous periods. This writing aims to analyze the critical discourse of the text of the story of "Zirak and Zarvi" from the sixth chapter of Marzbannameh based on the theoretical framework of Norman Farklaf, in three levels: description, interpretation and explanation in a descriptive-analytical way. The result is that this text, while recounting the actors' communication system based on the hierarchy of power in pre-Islamic Iranian society, plays an important role in conveying the prevailing beliefs and values in society and the discourse of the characters in the story. In order to consolidate the political thought of the author and the intellectual space and power of the possibilities available in the speech of the characters of the story, the explanation of why this text was produced according to the prevailing policy of that period.

Key Words: Norman Fairclough, Marzbannameh, Critical Discourse, Language Power, Ideology.

*Assistant Professor of Persian Language and Literature, Razi University (Corresponding Author).

**Teacher of the Ministry of Education.

تحلیل انتقادی گفتمان مرزبان نامه براساس نظریه نورمن فرکلاف (مطالعه موردی: داستان زیرک و زروی)

عیسی نجفی* / فرحناز حیدری نسب**

دريافت مقاله: ۱۳۹۸/۱۰/۹

پذيرش: ۱۳۹۹/۱۱/۸

چكیده

تحلیل انتقادی گفتمان یکی از مباحث مهم در گفتمان سیاسی و اجتماعی است که چگونگی تبلور و شکل‌گیری معنا و پیام واحدهای زبانی در ارتباط با عوامل درون‌منتهی برسی می‌کند. مرزبان نامه، به عنوان یک متن کهن، یکی از متون تمثیلی ایران قبل از اسلام است که نویسنده در آن، به آسیب‌شناسی موضوعات اجتماعی - سیاسی روزگار خود یا دوره‌های قبل پرداخته و از این رهگذر ضمن اینکه به گونه‌ای فرهنگ را منتقل کرده، به کمک زبان و قدرت آن، به تولید اندیشه‌های سیاسی روزگار کمک شایانی کرده است. این نگارش بر آن است که با تکیه بر آرای فرکلاف، به چگونگی بازنمایی گفتمان انتقادی متن داستان «زیرک و زروی» پردازد. مقاله به شیوه توصیفی - تحلیلی و بر اساس چارچوب نظری فرکلاف، در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین به ارتباط لایه‌های گفتمان و پیوند زبان و جامعه‌پذیری جامعه از رهگذر حکایات می‌پردازد. حاصل سخن این است که این متن، ضمن اینکه نقش مهمی در انتقال عقاید و ارزش‌های حاکم بر جامعه دارد، گفتمان گفتاری و کرداری شخصیت‌های داستان، در خدمت تثبیت اندیشه سیاسی نویسنده است و فضای فکری و قدرت امکانات موجود در گفتار، توضیح چرایی تولید این متن با توجه به سیاست حاکم است.

کليدواژه‌ها: نورمن فرکلاف، مرزبان نامه، گفتمان، قدرت زبان، کنشگران، وجهیت افعال.

* استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول). enajafi1@yahoo.com

** دبیر آموزش و پژوهش. fhaidarinab@gmail.com

مقدمه**بیان مسئله**

سمبولیست‌گرایی متون داستانی کهن، دستاویزی جهت شناسایی و بررسی ایدئولوژی ایران قدیم، به کمک شیوه خاص گفتمان آنهاست. مرزبان نامه یکی از این کتب تمثیلی است که بررسی گفتمان گفتاری و کرداری شخصیت‌های هر کدام از داستان‌های آن، چگونگی لایه‌های به قدرت رسیدن و تثیت آن و بسیاری از مسائل اجتماعی قدرت حاکم را بیان می‌کند. با توجه به این فرضیه، این نگارش در پی آن است که تأثیر داستان‌گویی متون کهن را بر فضای فکری و اجتماعی انسان‌ها چه در گذشته و چه در زمان حال، تبیین نماید.

از این‌رو، سطوح سه‌گانه نظریه گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف، می‌تواند به درک فرایند کشف معنای تولیدشده سیاسی داستان‌های تمثیلی- تعلیمی و درک موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی دوره نویسنده کمک کند.

پیشینه تحقیق

مطالعات گفتمان انتقادی، سابقه‌ای گستردۀ در حوزه پژوهش‌های ادبی ندارد و بیشتر بازتاب آن در رسانه و سینما بوده است؛ در حالی که متون ادبی (ستی و معاصر)، منبع ارزشمندی برای تبیین متن تولیدشده و تأثیر کردارهای گفتمانی بر عملکرد اجتماعی شدن افراد در هر دوره‌ای است. تا کنون، پژوهشی مبتنی بر موضوع و کلیت این پژوهش، صورت نگرفته است. به همین دلیل به مواردی از پژوهش‌های اشاره می‌شود که به طور

رویکرد نظری تحلیل گفتمان، یکی از مهم‌ترین رویکردهای ساختگرایی اجتماعی است که شامل رویکردهای متعددی همچون رویکرد لاکلو و موفه، تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، روان‌شناسی گفتمانی، رویکرد فوکویی است. تحلیل گفتمان، به عنوان یک گرایش بین‌رشته‌ای بین ادبیات و جامعه‌شناسی، ارتباطات و حتی علوم سیاسی، در دوره جدید به وجود آمد. شیوه و روش این مطالعه، حول این محور است که استفاده از زبان با چه هدفی به کار رفته است. از این‌رو، تأکید این رویکرد بر این است که چه کسی، در چه موقعیتی و با چه هدفی از زبان بهره گرفته است. «تحلیل گفتمان از دهه ۷۰ میلادی، به عنوان روشی میان‌رشته‌ای برای مطالعه فرایند تولید متن (اعم از گفتار و نوشتار) و بررسی رابطه تشکیل ایدئولوژی و شکل‌گیری متن، در عرصه علوم انسانی و حوزه‌های معرفتی گوناگون به کار رفت» (آقاچانی، ۱۳۹۰: ۷۸). «بسیاری از جامعه‌شناسان و معتقدان ادبی، با علم به اینکه آثار فرهنگی در بستری اجتماعی تولید می‌شوند، مدعی‌اند که متون ادبی و روایی را می‌توان داده‌های جامعه‌شناسی محسوب کرد» (دی‌والت، ۱۳۷۵: ۱۸۱) و یورگنسن معتقد است که «گفتمان، شیوه خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است» (۱۳۸۹: ۱۸). «تأکید اصلی گفتمان، بر ضرورت تحلیل نظامهای اندیشه‌گر در قالب زبانی است که نظامهای مذکور با آن بیان می‌شوند» (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۶).

باب ششم مرزبان‌نامه در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی و به تأثیر و ارتباط زبان و جامعه‌پذیری جامعه از رهگذر حکایت پرداخته شود. حاصل پژوهش در پاسخ به این سوالات است:

۱. متون داستانی مرزبان‌نامه، کدام لایه‌ها و گوشه‌های از فضای فکری و سیاست حاکم بر جامعه ایران قبل از اسلام را بازگو می‌کند؟
۲. گفتمان انتقادی این متون بازتاب چه عواملی است؟ ۳. آیا گفتمان حاکم بر داستان به موازات گفتمان کرداری دوره نویسنده است؟

روشناسی پژوهش

داده‌های مورد استفاده پژوهش حاضر، از مرزبان‌نامه، تحریر سعدالدین و راویینی و روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. ابتدا، نگارندگان در مبحث نظری، آرای این نظریه را برای پیشبرد پژوهش، تبیین می‌کنند و در مبحث عملی، به کمک نظریه، قدرت زبان و کلمه را در تجسس عینی لایه‌های زیر ساخت متن، با مصاديق عینی از گفت و گوهای کنشگران نشان می‌دهند.

بحث

۱. سخنی در باب مرزبان‌نامه

تاریخ تألیف اصل این کتاب براساس ادعای صاحب قابوس‌نامه و سعدالدین و راویینی، سده چهارم هجری است و به وسیله مرزبان بن رستم انجام شده است. وی حکایات و وقایع تاریخی را فقط از کتب قدیمی‌تری که در اختیار داشته، در کنار هم نهاده و به شکل کتاب در آورده است

عام به جنبه‌های نظریه‌های گفتمان اشاره کرده و در جریان پژوهش، یاری‌رسان و توجیه‌کننده اندیشه نگارندگان بوده است. آقاگل‌زاده و غیاثیان (۱۳۸۶) در مقاله «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، به معرفی و مرور خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته و به تفاوت و وجوده شباهت رویکردها پرداخته‌اند. کلانتری و همکاران (۱۳۸۸)، در مقاله «تحلیل گفتمان با تأکید بر گفتمان انتقادی به عنوان روش تحقیق کیفی»، با دلیل ثابت می‌کند که تحلیل گفتمان جزو روش‌های تحقیق کیفی بوده و برای کشف معنای به کار رفته در متن یا سخن به کار می‌رود. آقاگل‌زاده (۱۳۸۶)، در مقاله «تحلیل گفتمان انتقادی ادبیات»، به تشریح رابطه مردم و جامعه پرداخته و اذعان می‌کند که این ارتباط توسط نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل دخیل در گفتمان تعیین می‌شود و ادبیات و متون ادبی هم در بافت خاصی، تولید، تحلیل و تفسیر می‌شوند.

ضرورت و اهداف پژوهش

هر متنی بازتاب فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر دوران نویسنده اثر است. متون تمثیلی که کنشگران آن، ترکیبی از حیوانات و انسان‌هاست، نقش مهمی در فرهنگ‌سازی سیاسی و انعکاس مسائل اجتماعی، فرهنگی دوران اثر دارد و چه بسا همین عملکردهای داستان و گفتمان موجود در آنها، راه را برای تبیین موفق شیوهٔ مملکت‌داری نشان دهد. هدف از پژوهش حاضر، این است که به کمک ابعاد جامعه‌شناسی نظریه نورمن فرکلاف، متن داستان «زیرک و زروی» از

(وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۰).

۲. خلاصه داستان «زیرک و زروی» به زبان ساده
زروی، بز نری است که چوپان او را به علت
بدخوبی به قصاب می‌فروشد. زروی به محض
رفتن قصاب برای آوردن وسیلهٔ چاقو تیزکن، فرار
می‌کند و به غاری پناه می‌برد. شب صدای سگی
زیرک نام را می‌شنود که از گلهٔ جدا مانده است.
او را صدا می‌زند. زیرک می‌گوید: «شب را پیش
تو می‌مانم و فردا در طلب گلهٔ می‌روم». زروی در
گوش او می‌خواند: «چرا می‌خواهی خودت را
نرد چوپانی کوچک کنی که اگر دهان در کاسهٔ
اش کنی، سر تو را می‌شکند و کاسهٔ را به هفت
آب می‌شوید. من در پیشانی تو طلیعهٔ بزرگ می-
بینم. اگر به اندرزهای من گوش کنی، تو را
پادشاه جانوران خواهم کرد و آنگاه با امنیت در
همین جنگل روزگار خواهیم گذراند. چون ما در
کنف حمایت تو همیشه از شر دشمنان در امان
بوده‌ایم. من همهٔ تدبیرم را به کار می‌بنم تا تو را
شاه کنم». زیرک می‌گوید: «راست این است که ما
به خاطر حمایت از شما، خود را با همهٔ جانوران
دشمن کرده‌ایم و مزید بر این، اندیشهٔ شاهی جز
با پشتیبانی سپاه و مدد زر و سیم راست نمی‌آید.
بهتر است ما دو مفلسِ آواره، این اندیشه را از سر
بیرون کنیم». زروی می‌گوید: «اگر پای بر گردن
نفس نهی و درندگی را رها کنی. آوازهٔ کم‌آزاری
تو در جنگل می‌پیچد، همهٔ حیوانات به تو پناه
می‌آورند و چنان می‌شوی که تمام حیوانات
درنده از هیبت تو می‌لرزند». زیرک بهانه می‌آورد
اما در نهایت، رگ آرزو در دل زیرک می‌جنبد و

(رضایی، ۱۳۸۹: ۵۰). نویسنده با استفاده از زبان
تمثیل، اهداف و موضوعات مورد علاقه و کارآمد
در امر سیاست و اجتماع را در شکل و شیوهٔ مؤثر
مطرح کرده است. شیوهٔ پردازش متن بر اساس
گفت‌وگوی منطقی و آزاد بین شخصیت‌های
داستان‌هاست. مرزبان‌نامه که شیوهٔ تعلیمی-
تمثیلی همچون کلیله‌ودمنه دارد، متأثر از متن این
کتاب است. در شرق به ویژه ایران، چون
دگرگونی و تطابق در حکومت‌داری به آسانی
نвод و همچنین به دلیل اقتدار حاکم، مجالی برای
بروز و بیان تفکرات نبوده است، نویسنده‌گان و
شاعران با روی آوردن به حکایات و سخنانی که
به شیوهٔ تمثیل و از زبان حیوانات بود، نظرات
پنهان سیاسی را به شیوهٔ محظوظ در حکایات
تمثیلی بیان می‌کردند. نویسندهٔ مرزبان‌نامه، با
انتخاب ژانر داستان که در آن زمان یکی از
بهترین روش‌های انتقال معنا بوده، مضامین
سیاسی را بدون اینکه فضای درگیری و تنش به
وجود آورد، به حاکم که برادرش بود، گوشزد
کرده است.

به غیر از محمد غازی ملطیوی، سعدالدین
وراوینی در قرن هفتم، کتاب را از زبان طبری به
فارسی برگردانده است. کتاب دارای نه باب و در
مجموع چهل و پنج داستان است و شیوهٔ گردآوری
و تدوین آنها به این صورت است که این
داستان‌ها، حول محور اصلی باب می‌چرخد و
مشارکان و شخصیت‌های داستان را آدمیان و
حیوانات تشکیل می‌دهد. وراوینی همان طور که
خود در مقدمهٔ کتاب ذکر می‌کند، برخی از
حکایات را حذف و کتاب را خلاصه کرده است

ما را نیز می‌تواند از خطرات برهاند. خرگوش باهوش به عذر درمی‌آید که مگر نمی‌دانید نژاد سگ پست است و آدمیان را به خساست او مثال می‌زنند و حتی چرم او را نجس می‌دانند؟ اما کبوتر به خرگوش می‌گوید: «اگر چنین عیبی در زیرک باشد، او آنقدر فراست دارد که به رفع آن بکوشد و همیشه حسب مهم‌تر از نسب است». آنگاه جانوران را متلاعنه می‌کند که قبل از داوری، زیرک را ملاقات کنند. جانوران، آهو را نزد زیرک می‌فرستند تا در این مورد تحقیق کند. زیرک و زروی به عزت و نیکویی او را پذیرا می‌شوند. هیمنه دستگاه زیرک بر دل آهو می‌نشیند و به لطفی که می‌بیند، خوف او می‌ریزد. زیرک چنین آغاز می‌کند: «شما و امثال شما از شرارت ذات هم نژادان من آسوده نبوده‌اید، اما من خواهش‌های نفسانی را ترک گفته و خواهان این هستم که در زمان حکومت من هیچ جانوری در سایه حمایتم آسیب نمی‌بیند». آهو می‌گوید: «ولی لانه‌های ما بر بلندی و در کوه و تپه پراکنده است و مانند گله مجموع نیستیم، وانگهی هر یک دشمنی خاص داریم و چنین نیست که همگی ما را یک گزند تهدید کند». زروی به گفت در می‌آید که پادشاه مانند آفتاب است که نورش بر همه‌جا بتابد و هر کس به نوعی از پرتو او مستفیض شود». آهو می‌گوید: «پس، لازم است راه آمدوشد تو بر ما گشوده باشد که هر وقت لازم شد تو را از گزندهای پیرامون مان بیاگاهانم. دیگر اینکه عقوبت تو نباید از سر خشم باشد، بلکه برای تأديب و تعديل به این کار دست یازی و بر هر کس به اندازه تحملش تکلیف نهی». زروی می‌گوید:

می‌گوید: «زمام اختیار را در دست تو دادم هر چه خواهی انجام بده». زروی در جواب به او می‌گوید: «من تمام تلاش خود را برای به شاهی رساندن تو انجام می‌دهم به این شرط که تمام نصایح مرا که بوى از دیگر دوستی است، اجرا کنی و علاوه بر این، تا شاه نشدی من می‌توانم بی‌پرده با تو سخن گویم، بعدها هیبت تو مانع می‌شود که آنچه صلاح است با تو بگویم». زیرک می‌گوید: «هر آنچه برای پیشرفت کار لازم است با من بازگوی و پرده از روی کار بازگیر. زروی می‌گوید: «به هوش باش که بدگویان را از خود دور کنی و هیچ‌گاه دعوی یک‌جانبه را نپذیری و داوری نکنی و به پیغمبر دین اقتدا کنی و مانند عیسی زبان را به نیکو گفتن عادت دهی و از بد گفتن و خشونت باز داری. به ویژه مراقب باش در دام حاسدان مکار نیفتی. بدان که لازم است حساب من از دیگر چاکران جدا نمایی و این خادم را در سایه خویش شکوهمند داری که هر کس کاردان خویش را احترام کند، کار خود را محترم داشته باشد و تا وزیر پیش پادشاه مقبول نباشد، لشگر حرمت او را نگه ندارند».

در این هنگام کبوتری که بر شاخسار درختی نشسته بود به نزد آنان می‌آید و می‌گوید آشیانه من اینجاست و سخنان شما را شنیدم و برای خدمتگزاری به شما آماده هستم. زیرک و زروی او را به سفیری نزد پرنده‌گان می‌فرستند. پرنده‌گان پس از ملاقات با زروی و زیرک دعوی ایشان را می‌پذیرند و هریک مقامی می‌یابند. آنگاه کبوتر را به شکارگاه می‌فرستند. شکاریان شادمانند که سگ همیشه نگهبان رمه است. پس

خدمت کند» (سیدحسینی، ۱۳۷۶: ۹۴)، آگاه است. «در تحلیل گفتمان انتقادی از سطح توصیف متون گذار و به سطح تبیین ارتقا می‌یابد. مسئله زبان، ایدئولوژی، جهان‌بینی و قدرت از مفاهیم بنیادی در تحلیل گفتمان انتقادی محسوب می‌شوند» (آقاگلزاده، ۱۳۸۶: ۲۰). فرکلاف^۱، در گفتمان انتقادی، متون را در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بررسی می‌کند. در سطح توصیف، ویژگی‌های صوری متن، در سه حوزه واژگانی، نحوی و ساخت متنی توصیف و در حوزه تفسیر، موقعیت تأثیرگذار متن و در تبیین، گفتمان را به عنوان جزئی از روند مبارزه اجتماعی در ظرف مناسبات قدرت بررسی می‌کند.

۳-۱. توصیف

در این سطح، به بسامد واژگان و کنشگران پرپسامد، فرایند و نوع رابطه دستوری جملات و جنبه‌های استعاری و پنهان بیان پرداخته می‌شود و دیدگاه ایدئولوژیک نویسنده توصیف می‌شود. برای این کار باید به بسامدها توجه کرد؛ زیرا «همه اجزای صوتی واژگانی و نحوی زبان، خواهانخواه به نوعی با دیدگاه ویژه‌ای مرتبط‌اند، ولی بعضی از این ساختارها، برجستگی بیشتری دارند» (یارمحمدی، ۱۳۸۵: ۳۹). به منظور وضوح‌سازی این مطلب، متن داستان در دو حیطه شخصیت‌پردازی و نوع رابطه دستوری توصیف و فراوانی در دو جدول تنظیم شده است.

۳-۱-۱. شخصیت‌پردازی: این شاخه از گفتمان به میزان ارزش‌گذاری مفاهیم و انجام فرایندها

«خواهش ما از شما راستی در گفتار و کردار است و می‌دانم که عدالت جز با عقل و سنجش میسر نیست». آهو، زیرک و زروی را دعا می‌گوید و در نزد جانوران آنان را بزرگ و لایق می‌شمارد. آنگاه جانوران خود به دیدار زیرک می‌آیند که زیرک، زروی را برای سخن گفتن با ایشان می‌فرستد و آماده‌شان می‌کند که از هیبت او نترسند و رم نکنند. آنکاه به بار عam او دعوتشان می‌کند. ددان که آواز زیرک را می‌شنوند، کم‌کم به اعتدال می‌گرایند و قوانین او را می‌پذیرند. به این ترتیب به مدد اندیشه زروی، زیرک به پادشاهی می‌رسد.

۳. مبانی نظری

«اگرچه، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در اولویت نخست، زبان، قدرت ایدئولوژی، گفتمان در متون رسانه‌ای و مسائل سیاسی – اجتماعی را در دستور کار خود دارد، ولیکن اگر بپذیریم که هر آنچه به زبان گفتار و نوشтар مربوط می‌شود، در حوزه تحلیل گفتمان جای می‌گیرد. پس می‌توان ادبیات شفاهی و مکتب ملت‌ها را در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی و نقد زبان‌شناختی تحلیل و تفسیر و سبک فرد و دوره‌ای ادبیات فارسی را نیز با نگاه انتقادی شناسایی و معرفی کرد» (آقاگلزاده، ۱۳۸۶: ۱۸). البته جدای از این نظر، باید نقش مؤثر ادبیات فارسی در روند جامعه‌پذیری و انتقال فرهنگ را نادیده نگرفت؛ زیرا ادبیات فارسی تلفیق هنر، زیبایی‌شناسی و تعهد است و به رسالت خود که «هنر وقتی ارزش دارد که چیزی یاد دهد یا به اخلاق

به زمان و مکان می‌تواند نشانی از هوش سیاسی نویسنده باشد؛ زیرا «متون به هر شکلی که باشند، سیاسی هستند؛ البته نه سیاست به معنای محدود آن، بلکه هر کاری از جمله تولید متن که منجر به حفظ یک شیوه موجود در میان شیوه‌های ممکن شود و یا آن شیوه موجود را با استفاده از شیوه‌های ممکن به چالش بکشد، یک کار و عمل سیاسی است و این کاری است که گفتمان انجام می‌دهد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۷۱). باید در رویکرد تفسیر متون، به بازخورد سخن و تأثیر آن توجه داشت. هدف گفتمان این است که با قدرت زبان و سخن، گفتمان حاکم را نشان دهد، چون «ارتباط متن با ساختارهای اجتماعی در قالب صورت‌های لفظی و جملات نمود می‌یابد. لازم است برای اینکه در تحلیل گفتمان انتقادی از تحلیل و تشریح بافت ظاهری و کلام فراتر رفت، با بیرون از متن، یعنی بافت موقعیتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی سروکار داشته باشیم» (کلانتری، ۱۳۹۱: ۲۲) و همچنین «من گفتمان را مجموعه‌ای به هم‌بافته از سه عنصر عمل اجتماعی، عمل گفتمانی و متن دانست؛ چون تحلیل یک گفتمان خاص، تحلیل هریک از این سه بعد و روابط میان آنها را طلب می‌کند. فرضیه این است که پیوند معنادار میان ویژگی‌های خاص متون، شیوه‌های که متون با یکدیگر پیوند می‌یابند، تعبیر می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۹۷-۹۸).

اولین نکته‌ای که در این داستان ذهن خواننده را به سوی خود جلب می‌کند، چینش بسامان عناصر داستان برای وضوح‌سازی موضوع است. داستان به شیوه سمبولیسم ذهن را به

توسط مشارکان اشاره می‌کند و نقش مهمی در چگونگی شکل‌گیری معنا و پیام داستان ایفا می‌کند. شخصیت‌های مرزبان‌نامه، ضمن حکایت توسط راوی معرفی می‌شوند و تا حدودی کنش این کنشگران و مشارکان مشخص و معلوم است، اما در ورای این گفت‌وگوها، رساندن پیام‌های حکمت‌آمیز و اخلاقی است. کنشگران داستان، محدود و عملکرد آنها در جهت تبیین مسائل است؛ چون «ارزش‌های تجربی دستور با روش‌هایی سروکار دارند که به موجب آنها صورت دستوری زبان، به رمزگذاری اتفاقات تا روابط در جهان، افراد و شرایط زمانی و مکانی و نحوه وقوع آنها می‌پردازد» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۱۸۴).

۱-۳. رابطه دستوری: وجه پرکاربرد اخباری، حضور معتدل‌گونه تمامی ضمایر در داستان و نوع فرایندها، همگی به صورت پیوسته و در بافتی منسجم در جریان داستان‌گویی تمثیلی مرزبان‌نامه، مشاهده می‌شود و این نشان از تبیین ارزش هریک از واگان در بافت جمله است.

۲-۳. تفسیر
آنچه که باید در تحلیل یک متن، مورد توجه قرار گیرد، رابطه نقش چیدمان واژگان و بیان نویسنده، در تحریک احساسات خواننده در موضوع خاص است. متون ادبی کهنه که نقش مهمی در جامعه- پذیری افراد جامعه دارند، می‌توانند منطبق با نیازهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه باشند. لازم نیست که در مفهوم حکایت و تمثیلهای ادبی از لغات خاص سیاست استفاده شود، بلکه توجه به نیاز خواننده و نحوه ارائه مطلب، با توجه

در دست و ریسمان پاره‌ای بر میان. اندیشه کرد که این مرد سبب هلاک منست و به قصد ریختن خون من می‌آید» (وراوینی، ۱۳۷۶: ۲۴۷).

آخر رسن بگسست و جان که به مویی رسن باز بسته بود، به چنبر بجهاند و بجست. چون تیر از کمان و مرغ از دام می‌رفت و قصاب بر اثر می‌دوید» (همان: ۴۸-۴۷).

«زروی»، نماینده گروه منادیان آزادی است که در سخن و عمل، مسائل سیاسی روز را خوب تحلیل می‌کنند و در عمل هیچ‌گونه عاجزی در او دیده نمی‌شود. بارها سرکوب شده و آمال و راه رسیدن به قدرت و رهایی را در ایجاد انقلاب می‌داند و به دنبال این ایده، سگ «زیرک» را قانع می‌کند که حاکمیت جامعه را به عهده بگیرد و گاهی نیز مجبور است گفتمان تظاهر و دوروبی و عوام‌فریبی را در برخورد با رعیت، اعمال کند:

«اگر ازین بند رها شوم و نجات یابم، فهو المراد و اگر دیگر باره گرفتار آیم و چرخ چنبری بار دیگر این رسن به چنبر گردن من برآرد، همین حالت باشد که اکنون هست» (همان: ۲۴۸).

«رأی آنست که چون تو می‌توانی که خود را از پایه کهتری به درجه مهتری رسانی و از صفات- النعال فرمان بری به صدر صفة فرماندهی رسی، به نذالت این مقام رضاندھی و چشم بر مطارح رفعت نهی و دواعی همت بر آن گماری که زمام پادشاهی بر سیاع و سوائیم این دشت در دست گیری، تا من به اعداد اسباب این کار کمر تقدیم بریندم و عقدة مشکلات و عروءة معضلات آن را به سحر مجاهدت بگشایم» (همان: ۲۵۲).

سوی کنکاش خلاق نویسنده هدایت می‌کند. در ادبیات و عرف عامه «سگ»، نماد وفاداری، صمیمیّت، پاسداری، جان‌سختی، بی‌باکی و «رمّه»، نماد عموم مردم، افراد سر به زیر و سودمند است که در میان گله، یکی از این رمه‌ها، نقش هدایتگر را به عهده می‌گیرد و پیشاپیش گله در حرکت است. در این داستان، رهبری، کاردانی و هدایت گله در نقش بز نر «زروی» نمود می‌یابد. نویسنده داستان، از لفظ «زیرک» حاکم و شاه را مدنظر دارد که توسط سردمداران و جناح‌های سیاسی (حیوانات و شکاریان) به شاهی برگزیده شده است، لازمه حیات شاهی و اعتماد مردم به حاکم، پیروی از نصیحت‌های مباشر و وزیر «زروی» است و گرن، سیر قهقهای حکومت را به دنبال دارد. در ابتدا هرچند، مخالفت سیاسیون «خرگوش»، مانع روند حاکمیت زیرک و متابعت دیگر وحش می‌شود، اما قدرت زبان و وعده زیرک و زروی و همچنین صفیری آهو، ماجرا را به نفع زیرک پیش می‌برد. این داستان سیاسی است و از اصلی‌ترین درون‌مایه‌های آن، تقابل گفتمان شخصیت‌ها و عملکرد آنهاست؛ چون گفتمان «کلامی شفاهی یا مکتوب است که نقل رخدادها را بر عهده دارد» (ریمون‌کنان، ۱۳۸۷: ۱۲). قصاب با چهره‌ای شوخگن توصیف شده که نماینده افرادی از جامعه است که راه رهایی انسان‌ها را در نابودی می‌داند و فلسفه گفتمان او، کشتن، خون‌ریزی و درگیری است که این رفتار در دو قسمت از داستان نشان داده شده است: «زروی نگاه کرد. از دور مردی قصاب را دید با شکلی سمج و جامه‌ای شوخگن، کاردی

چاره‌اندیشی، عاقبت‌نگری، تلاش برای رهایی، یافتن مأمون و کمین‌گاه، چرب‌زبانی، تملق و چاپلوسی، تلاش برای به قدرت رساندن حاکم، وفاداری و تعهد در انجام وظیفه، دانستن اصول سپاهیگری، مبارزه با نفس جهت رسیدن به آمال، داشتن هوش سیاسی است که تمام اینها در جهت تحول بخشنیدن به اوضاع صورت می‌گیرد و دارای ارزش مثبت و در بعضی مواقع این عملکرد، چون اندیشهٔ ظاهر در پس پرده دارد، منفی است.

کنش‌ها و گفت‌وگوهای شخصیت دوم داستان، سگ «زیرک»، ترکیبی از «مادی، ذهنی، گفتاری و رابطه‌ای» است. بازخورد این اعمال، چاره‌اندیشی برای یافتن هویت، وفاداری و تعهد در قبال وظیفه، پشت‌گرمی به سپاه و توجه به سخنان مشاور، رهاکردن نفس‌پرستی و خوی ددمنشی و دادن وعده و وعید است. «زیرک و زروی»، نمایندهٔ قدرت حاکم بر جامعه و به دنبال جلب اعتماد رعیت «حیوانات و وحوش» هستند. اولین و شاید آخرین چاره‌اندیشی که به دنبال آن، رسیدن به بقیه خواسته‌ها تسهیل می‌یابد، همین رها کردن خوی ددمنشی و انجام امور شایست جهت بهبود اوضاع جامعه است.

کنش‌های بقیه حیوانات و شکاریان «کبوتر، آهو، دیگر وحوش، خرگوش»، ترکیبی از «مادی، ذهنی و گفتاری و مفهوم فرایند آنها، طمع به پیش‌دستی بر خدمتگذاری، تعیین صفير در اجرای کار، منقاد شدن، ریزیمنی و عدم اطاعت کورکورانه و توجه بر تحقیق و پژوهش در مورد پیشینهٔ حاکم است.

«کبوتر»، نمادی از کسانی است که از موقعیت به نفع خویش بهره می‌گیرند، برای رسیدن به قدرت تلاش می‌کنند و به طور معمول سیاست گفتمان آنها بر موقعیت‌سنگی و منفعت-طلبی، جاسوسی و خبرچینی است و در این داستان نقش صفير و پیک را ایفا می‌کند:

«این دو حیوان... چون مهتری و پادشاهی یابند و درگاه و دیوان به ازدحام خدم و رعایا مستغرق شود، اگر به اختیار طبع یا به الجای حاجت خواهم که در این آن جمله آیم و در عدد ایشان منحصر شوم، این معنی دشوار دست دهد... وجه اوفری و طریق اولی آنست که ... تقریبی که متضمن قربت باشد، به جای آورم» (همان: ۲۹۵).

«آهو متعین شد و شبگیر که هنوز شب عارض صبح در خضاب شباب بود... با کبوتر روی به راه آورد و کبوتر زودتر به خدمت شتافت و نیزی از ماجراهی حال بر وجه اجمال فرو خواند» (همان: ۳۱۳).

بسامد بالای واژگانی نظیر «زیرک، زروی، خرگوش آهو، کبوتر» نشانگر این است که جامعه حول محور حاکم یا فعال سیاسی، عوامل بیداری و هدایت رعیت جریان دارد و سرنوشت حاکم و پایداری حکومت و جلب اعتماد از جانب رعیت، روحیه سازش‌پذیری و عدم خوی ددمنشی حاکم و درایت مباشر، موافقت بر اجرای رأی وزیر، احترام و بزرگداشت وزیر است.

کنش‌ها و گفت‌وگوی داستان، بیشتر مادی و ذهنی و مفهوم همه این فرایندها، حرکت و یا تغییر نگرش در ذهن است. کنش‌ها و گفت‌وگوی شخصیت اصلی داستان «زروی»، فراست،

برابر کلیله و دمنه بوده است. در رخداد داستان‌ها، نمونه‌ای از افسارگسیختگی جنسی دیده می‌شود که ماجرای زن قصاب با باغبان، مصدق آن است. به نظر می‌رسد که این فرهنگ منتقل شده از سرزمین‌های اطراف، مثل بابل باشد؛ چون «ظاهراً این لجام گسیختگی جنسی که در نواحی متمدن و غیر متمدن ایران رواج داشته، در فرهنگ این همسایه نیز اثر گذشته، به خصوص اگر بدانیم که این سنت‌های بابلی، یعنی فحشای مقدس و دیگر مسائل کناری آن تا حدود ۳۲۵ میلادی یعنی تا اوایل حکومت ساسانی رواج داشته است تا اینکه بنا بر ادعای ویل دورانت، به وسیله قسطنطین امپراتور روم، ممنوع می‌شود. لازم به یادآوری است که در این زمان و از مدت‌ها قبل از آن، بابل متعلق به ایران شده و جزئی از امپراتوری هخامنشی و اشکانی بوده است» (رضایی، ۱۳۸۹: ۶۴).

۴. تبیین

برای تفسیر و تبیین متن، مخاطب به دنبال چرایی کردار گفتمانی است و ریشه انتخاب فرایندها را در کردارهای اجتماعی حاکم بر آن جامعه پیدا می‌کند. هر نویسنده‌ای در متن، خواهناخواه، ارزش‌ها و اعتقادات حاکم بر جامعه را در اثرش نمایان می‌سازد و این کار پژوهشگر است که به توصیف، تفسیر و در نهایت چرایی ایدئولوژی خاص حاکم بر این نوشهای جواب می‌دهد. «تبیین، گفتمان را به عنوان کش اجتماعی توصیف می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه ساختارهای اجتماعی، گفتمان را تعیین می‌بخشند و همچنین تبیین نشان می‌دهد که گفتمان‌ها چه

مکان و زمان رخداد حادثه‌ها و کنش‌ها «بازار، دکان، باغ، صحراء، دریا، کوه» است که به نظر می‌رسد، لازمه انجام امور بزرگ و حفظ آن، بیرون از محیط خصوصی و کلان رخدادها در محافل عمومی و ملأ عام است.

وجهیت افعال یکی از مباحث مورد بررسی در علم معانی و دستور است که در تفہیم مطلب و همراه کردن خواننده با متن نقش مهمی دارد. «وجهیت یعنی میزان قاطعیت گوینده در بیان یک گزاره که به طور ضمنی که به وسیله عناصر دستوری نشان داده می‌شود و بیان‌کننده منظور یا قصد کلی یک گوینده یا درجه پاییندی او به واقعیت یک گزاره یا باورپذیری، اجبار یا اشتیاق نسبت به آن است» (فتوحی، ۱۳۹۰: ۲۸۵). ارزش‌گذاری رابطه‌ای در جریان متن این داستان، متناسب با عملکرد افعال در جمله است. چون راوی داستان، دانای کل است و نقش گویندگی را ایفا می‌کند، حضور وجه اخباری افعال بیش از التزامی و امری است.

به کاربردن صفات خاص نظری «خیمه اطلس سیاه، نظر مبارک، مفلس بی‌سرمایه، رای سدید، تدبیر صایب، رای راست، رغبتی صادق، مجمعی غاصّ به عوام، داغ نامقبول، لوزینه‌های لطف‌آمیز بی‌حشو و ...»، بیانگر ارزش رابطه‌ای است که بازتاب سبک نوشتاری مترجم «وروایی» است و در بیشتر جملات، امکان دریافت فهم سخن را برای مخاطب آسان می‌کند.

به احتمال، اصل مرزبان‌نامه مربوط به زمان ایران قبل از اسلام، پادشاهی خسرو انشیروان، باشد و هدف از نگارش کتاب، همانندسازی در

توجه به داستان‌پردازی در آثار سیاسی، علاوه بر ذات هنردوست ایرانیان و کسب لذت هنری، بیشتر ناشی از استبداد حاکم بر جامعه بوده که آشکارا راه انتقاد و نصیحت را بر زیردستان بسته است؛ چون در قسمتی از این داستان، زروی به این مورد اشاره می‌کند و می‌خواهد قبل از اینکه زیرک به شاهی برسد، سخنان خود را به وی گوشزد کند، چون بعد از به شاهی رسیدن، موانع ارتباط شاه و عوامل به سختی صورت می‌گیرد.

در تحلیل کردار گفتمانی کانون توجه بر نحوه اتکای مؤلف متن بر گفتمان‌ها و ژانرهای از پیش موجود برای تولید متن است و نیز اینکه دریافت‌کنندگان متن، چگونه گفتمان و ژانرهای در دسترس را برای مصرف و تفسیر به کار می‌گیرند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲). این داستان به آسیب‌شناسی اخلاقی و سیاسی پرداخته و خواهان هوش و ذکاوت خواننده است تا برای خود بر اساس قدرت گفتمان راهی به سوی تغییر در چیدمان قدرت سیاسی در جامعه‌ای که ضعیف به هیچ گرفته می‌شود، انجام دهد؛ زیرا «در یک نظام گفتمان، کردارهای گفتمانی مشخصی وجود دارد که متن و گفت‌وگو را تولید و مصرف یا تفسیر می‌کنند» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۰). مصدق هوشمندی فرد ضعیف اجتماعی داستان، زروی رانده شده از خانمان است که با هوش و ذکاوت به دنبال تغییر در سرنوشت خویش است و برای رسیدن به قدرت به نیروی بالاتر از خود «زیرک» متولّ می‌شود تا با تعامل در ارتباط، به بی‌سامانی خود و دیگر حیوانات کمک کند.

تأثیرات بازتولیدی می‌توانند بر آن ساختارها بگذارند؛ تأثیراتی که منجر به حفظ یا تغییر آن ساختارها می‌شوند» (فرکلاف، ۱۳۷۹: ۲۱۴).

زمان وقوع داستان‌های مرزبان‌نامه نامعلوم است و به طور یقین، اشاره به زمان تقویمی، تاریخی نیست و این یکی از ویژگی‌های بارز نوشته‌های تمثیلی است که از دایرۀ زمان تقویم و حوادث واقعی دور می‌شود. ملاک تحلیل نگارندگان، واکاوی اندیشه و فرهنگ ایران قبل از اسلام است.

اهمیت متن‌های ادبی در این است که «می‌توانند در خصوص تأثیر متقابل گفتمان‌ها و شبکه‌های اجتماعی که در زمان و مکان نوشته شدن متن دست‌اندر کار بوده‌اند، چیزهایی به ما بگویند» (تایسن، ۱۳۸۷: ۴۷). گفتمان مبارزه برای قدرت در فرهنگ سیاسی یک ملت شکل می‌گیرد و این فرایند که متأثر از ایدئولوژی فرهنگ و سنت حاکم است، معمولاً از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر، با تغییرات جزئی صورت می‌گیرد. آنچه در این گفتمان آشکار است، آرمان گفت-وگوی آزاد و غیر مستبدانه زیرک و زروی، تساوی حقوق و عدم قدرت زبانی حاکم از طرفین است که همه این موارد جریان داستان را به سوی ارزش فردگرایی و اهمیت کنشگر مشاور در جریان بهتر شدن کارهای مملکت است. نتیجه حاصل از داستان با مقدمه‌چینی و داستان‌های پی در پی هر باب، خواننده را تسلیم اندیشه‌های تعلیمی و اخلاقی خود می‌کند، این شیوه خاص اقناع بدون جدل، خاص داستان‌گویی شرقی و فرهنگ و ادبیت حاکم بر این ملت‌هاست. علت

همان ایدئولوژی و فرهنگ قدرت حاکم بر سیاست است که همواره جوّسازی سیاسی و تلاش برای اقناع قشر فرودست، به توازن قدرت و آرامش سیاسی منجر می‌شود. عدم توازن قدرت، موجب شده که مصلحت‌اندیشی به ظاهر در گفتمان سیاسی دیده شود که نمونه این ماجرا، تلاش زروی و زیرک برای قانع کردن آهو و دیگر حیوانات، با ظاهرسازی و قدرت زبان است. گفتمان زروی با منطق و استدلال و حکایات پی- درپی همراه است. توجه به منطق و تمثیل، سبب گشایش گفتمان مباشر و رضایت زیرک بر مجری بودن و گوش سپردن به اندرزهای زروی را در پی دارد. تلاش ذهنی کارکرد گفتمان، سبب گشایش کلید گفتمان و بازتولید قدرت در فضای نامعلومی به قدرت رساندن حاکم می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

متون ادبی، بازتاب ذهن نویسنده و ذهن نویسنده متأثر از فرهنگ، سیاست و روابط حاکم بر آن جامعه است. این متون به دلیل اینکه گفتمان مسلط روزگار نویسنده را بازگو می‌کند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند. حاصل بررسی داستان «زیرک و زروی»، دلیل مستندی است بر نظم گفتمان حکایت‌های مرزبان‌نامه، حول محور سیاست حاکم و تأثیر متقابل گفتمان کشگران جهت رسیدن به مقصود است. در بخش توصیف، مبحث شخصیت‌پردازی، بسامد واژگان پرکاربرد «زیرک، زروی، آهو، کبوتر» و رابطه همنشینی اعمال آنها بیانگر این مطلب است که سیاست نوشتار نویسنده در این داستان حول

بر این اساس، یکی از گفتمان‌های کرداری داستان، که با بسامد بالای در متن مشاهده می‌شود، ایدئولوژی و فرهنگ، سازش و تحکیم قدرت است؛ زیرا یکی از محوری‌ترین مباحث، تلاش برای تثیت قدرت و جلب اعتماد رعیت است. دانایی و کیاست، توجه به حقوق دیگران، ترس از عدم مقبولیت از عواملی است که شخصیت نامزد حاکمیت را وادر می‌کند که به هر نحوی، نگران عدم مقبولیت از طرف دیگر حیوانات (عموم مردم) باشد. زروی با اشراف بر حقوق فرهنگی و اجتماعی خود و دیگران، خواهان حفظ قدرت زیرک به عنوان یک ایدئولوژی است. مباشر و مشاور «زیرک» در موقعیتی از قدرت است که می- تواند به راحتی ایدئولوژی و جهان‌بینی خود را در قبال چگونگی حفظ قدرت به جامعه تعمیم دهد، چون نگاه جامعهٔ شرقی آن زمان به قدرت، همان امر، امر حاکم و رعیت فقط به دنبال آرامش و رهایی ددمنشی از سوی حاکم و دیگران است. قصاب که نمود شخصیت خود را در زدن، کشتن و از بین بردن به نمایش می‌گذارد با گفتمان کرداری خود، نماینده افرادی از این سخن در جامعه است. زیرک که از پیشینه نابهنجار دیرین ناراحت و مأیوس است، برای اثبات خود و گریز از بحران، مجبور است سخنان مباشر و رایزن را اجرا کند. این به هم‌ریختگی و چگونگی به قدرت رسیدن را با گفتمان انسان محور زروی سامان دهد که نمونه این سرخوردگی و ترس از فروپاشی سامان حکومتی در لایه‌های قدرتی وجود دارد. کلیشه‌ای بودن خواسته‌های رعیت و سردمداری به حکومت رسیدن حاکم در گفتمان داستان، بیانگر

بخش تفسیر، با توجه به عملکرد و گفتمان کنشگران، قدرت عوامل فرهنگی، طبقه و شغل افراد در دوران قبل از اسلام در قالب داستان تمثیلی، بازتابانده شده است. ایدئولوژی حاکم بر جامعه سنتی و قدرت‌گرای حاکم، مانع از آن می‌شود که ارتباط صریح بین واژگان و معنا صورت گیرد. از این‌رو، نویسنده با بیان داستان تمثیلی از صراحة در کلام می‌کاهد، اما بازتاب بیان استعاری تمامی رخدادها، بازنمود فرهنگ غالب جامعه در عرصه سیاست است که زیرک و زروی را در قالب دست‌اندرکاران قدرت سیاسی نشان می‌دهد.

محور انتقال قدرت از کسی به کس دیگر به کمک گفت‌و‌گو، رخدادها و مکان‌های بارز است. با انتخاب وجهیت بالای افعال اخباری، قطعیت و خبررسانی در گفتمان را در خدمت روابط اجتماعی و سیاسی تثبیت می‌کند. سیاست گفتمان هر یک از شخصیت‌ها، با توجه به عملکرد و فرایندش در طول داستان متأثر از رابطه مادی، گفتاری، ذهنی و رابطه‌ای و با توجه به کنش کنشگران متغیر است. مفهوم ارتباط دستوری جملات و واژگان، بر اساس چاره‌اندیشی، تلاش برای قدرت، چاپلوسی، فرصت‌طلبی و حتی ظاهر در گفتمان کرداری و گفتاری است. در

یاداشت‌ها

۱. جدول فراوانی نحوه شخصیت‌پردازی مرزبان نامه حیطه شخصیت‌پردازی

ردیف	مشارکان	فرایند و نوع رابطه	مفهوم	آذتش‌گذاری
۱	شبان	آن به که من این زیان از پهلوی زروی کنم «ذهنی»	چاره‌اندیشی	منفی
۲	زروی	اندیشه کرد که این مرد سبب هلاک منست «ذهنی»	فراست و تیزبینی	ثبت
۳	قصاب	زروی را بر زمین افکند و دست و پایش ببست «مادی»	هلاک‌کردن	منفی
۴	زروی	با خود گفت این‌جا مقام صبر نیست «ذهنی»	چاره‌اندیشی	ثبت
۵	زروی	اگر دگر باره گرفتار آیم همین حالت باشد که اکنون هست «رابطه‌ای»	عاقبت شوم بد	منفی
۶	زروی	رسن بگست «مادی»	تلاش برای رهایی	ثبت
۷	قصاب	بر اثر می‌دوید «مادی»	تلاش برای اسیر کردن	منفی
۸	زن قصاب	ایشان را در باغ ملاقات افتادی «مادی»	خیانت در زناشویی	منفی

۹	زروی	با غبان و قصاب	از نهیب قصاب سروی ب در زد «مادی»	تلاش برای رهایی	خشتی
۱۰	زروی	در پناه غاری خزید «مادی»	هر دو به یکدیگر درآویختند «مادی»	نزاع و درگیری	ثبت
۱۱	زروی	آواز سگ دلیل آبادانی باشد و خرابی کار من از آبادانی است «رابطه‌ای»	در پناه غاری خزید «مادی»	یافتن مأمن و کمین‌گاه	منفی
۱۲	زروی	از گلهای که در حرارت منست، بازماندهام و می-جوییم تا خود آنجا یابم «مادی»	آواز سگ دلیل آبادانی باشد و خرابی کار من از آبادانی است «رابطه‌ای»	ترس از عاقبت بد	ثبت
۱۳	زیرک	از گلهای که در حرارت منست، بازماندهام و می-جوییم تا خود آنجا یابم «مادی»	از گلهای که در حرارت منست، بازماندهام و می-جوییم تا خود آنجا یابم «مادی»	چاره‌اندیشی	خشتی
۱۴	زروی	پشت استظهار بدو قوی کرد «ذهنی»	پشت استظهار بدو قوی کرد «ذهنی»	تکیه بر کمک کسی	ثبت
۱۵	زروی	لایق مال تو آن است که هرچه کنی، زیرکانه بود «گفتاری»	لایق مال تو آن است که هرچه کنی، زیرکانه بود «گفتاری»	تعريف و تملق	ثبت
۱۶	زروی	اگر روزی یر در کاسه شبان زنی، خواهد که کاسه سرت به زخم چوب باز شکافت «رابطه‌ای»	اگر روزی یر در کاسه شبان زنی، خواهد که کاسه سرت به زخم چوب باز شکافت «رابطه‌ای»	دو به هم‌زنی	ثبت
۱۷	زروی	من به اعداد اسباب زمامداری و به درجه مهتری رساندن تو کمر تقدیم بربندم «گفتاری»	من به اعداد اسباب زمامداری و به درجه مهتری رساندن تو کمر تقدیم بربندم «گفتاری»	تلاش برای به قدرت رساندن دیگری	ثبت
۱۸	زیرک	ما از افراط دوستی شما همه را دشمن خویش گردانیدم «گفتاری»	ما از افراط دوستی شما همه را دشمن خویش گردانیدم «گفتاری»	وفادری و تعهد در انجام وظیفه	ثبت
۱۹	زیرک	طلب پادشاهی و سروری کردن جز مظاهرت سپاه و حشم راست نیاید «ذهنی»	طلب پادشاهی و سروری کردن جز مظاهرت سپاه و حشم راست نیاید «ذهنی»	پشت گرمی و توجه به سپاهداری	ثبت
۲۰	زیرک	تو به پر و بال همت در طلب کار عالی باش «ذهنی»	تو به پر و بال همت در طلب کار عالی باش «ذهنی»	بلندنظری	ثبت
۲۱	زیرک	من چنان سازم که جمله جوارح وحوش و ضواری سیاع در قید اتباع آیند «گفتاری»	من چنان سازم که جمله جوارح وحوش و ضواری سیاع در قید اتباع آیند «گفتاری»	تلاش و همت در دوستی	ثبت
۲۲	زیرک	یک چند از خوی درندگی و سگ صفتی باز آمی «مادی»	یک چند از خوی درندگی و سگ صفتی باز آمی «مادی»	رها کردن خوی ددمنشی و انجام امور شایست،	ثبت
۲۳	زیرک	هر که نیک انجامی کار جوید اول پای بر گردن نفس نهد «رابطه‌ای»	هر که نیک انجامی کار جوید اول پای بر گردن نفس نهد «رابطه‌ای»	الگوبرداری و اعتبار بخشی رفتار بزرگان	ثبت
۲۴	زیرک	از مشاهدت سیرت تو اشرار اخبار رنگ گیرند «گفتاری»	از مشاهدت سیرت تو اشرار اخبار رنگ گیرند «گفتاری»	احترام و بزرگداشت وزیر	ثبت
۲۵	زیرک	خواهم که مرا به مزیت تو قیر و بزرگداشت از همه طوایف خدم ممیز گردانی «مادی»	خواهم که مرا به مزیت تو قیر و بزرگداشت از همه طوایف خدم ممیز گردانی «مادی»	وجود موانع در ارتباط صریح عوامل	ثبت

منفی	حکومت با حاکم	و تو کلاه مهتری بر سر نهادی، من هر سخنی اگرچه دانم، با تو نتوانم گفت «ذهنی»	زروی	۲۶
ثبت	موافقت بر اجرای رأی وزیر	هرچه گفتی شنیدم و از گفتار به کردار مقرون خواهد بود. بسم الله «مادی»	زیرگ	۲۷
خشی	طمع کبوتر به پیش‌دستی بر خدمت‌گذاری	چه کمتر خدمتی که امروز ثابت شود، مثابت خدمات بزرگ دارد	کبوتر	۲۸
ثبت	تعیین صفیر در اجرای کار	کبوتر را به رسالت و پیغام سوی شکاریان استنهاض فرمود «مادی»	زیرگ	۲۹
خشی	منقاد شدن	همه را داعیه فرمانبرداری در باطن بجنید «ذهنی»	شکاریان	۳۰
ثبت	ریز بینی و عدم اطاعت کورکورانه	اعتراض آغاز نهاد «مادی» از لوازم پدشاهی، اول، نسبی طاهرست که اگر ندارد، هرچه ازو آید، به نوعی از نقصان آلوده تواند بود «ذهنی و گفتاری»	خرگوش	۳۱
ثبت	توجه به پیشینه حاکم	یکی از شما بر من موکل کنید تا آنجا آید و مشاهدت کند که چگونه پادشاهیست «مادی»	کبوتر	۳۳
ثبت	تحقیق و پژوهش در مورد حاکم	متعین شد و با کبوتر روی به راه آورد «مادی»	آهو	۳۴
خشی	انتخاب پژوهندۀ	بفرمای تا مرغان را بخوانند و هریک را به جای بدارند «مادی»	زروی	۳۵
منفی	توجه به ظاهرسازی	خطاب به کبوتر، در مضائق دقایق، عنان سخن با دست من دهی «مادی»	زروی	۳۶
منفی	تمویه‌سازی و مکر وزیر برای آسان شدن سختی و به تنگ افتادن حاکم	در سخن آمد و به زبان چرب عبارت می- پرداخت «گفتاری»	زیرگ	۳۷
ثبت	چرب زبانی و ریاکاری در بیان	خانه‌های ما پراکنده، دشمن دگرگون، روی با زروی کرد: جواب این سخن چیست؟ «گفتاری»	آهو	۳۸
ثبت	بیان مشکلات مختلف اجتماعی رعیت	پادشاه به آفتاب ماند و پرتو نور او به هر کجا «ذهنی و گفتادی»	زیرگ	۳۹

منفی	راهکار خواستن از وزیر	شهریار راه آمدشد بر ما گشاده دارد «مادی»	زروی	۴۰
ثبت	تابو و مقدس گردانیدن حاکم	برگشت و زبان به ذکر محاسن و محمد سیر زیرک برگشاد «مادی و گفتاری»	آهو	۴۱
خشنی	خواهان ارتباط با شاه و ارائه مشکلات توسط صفیر	جمله وصایایی که در امور پادشاهی و رعیتی رفته بود، باز رسانید «مادی»	آهو	۴۲
ثبت	رضایت سفیر پرندگان وفاداری در شروط پیغامرسانی	کبوتر به رسم حجابت در پیش افتاد «مادی»	آهو	۴۳
منفی	وجود جاسوس و مخبر در امر سیاست	زروی همه را به خدمت زیرک شتابانید و همگی منقاد شدند «مادی»	کبوتر	۴۴
خشنی	سودمند شدن رایزنی وزیر و متابع گردانیدن مردم		تمام اصناف جانوران	۴۵

اشاره‌ای به حیطه دستوری داستان

وجه افعال	ضمایرپر کاربرد	رابطه همنشینی	مکان رخداد	واژگان پرکاربرد	
خبری: گفت - داشت -	- او	شراست و شوخی - بازار و فروختن	بازار دکان	گوسفند - شبان	
گردانید - کردی -	- آنان	قصاب، کارد - خون و هلاک	باغ	زروی -	
آورده - نگاه کرد - فرو ماند - بخرید	- من - ایشان -	قدرت و دست - رسن و گسیتن	صحراء غار	قصاب سگ - گله	حیطه
ببست - رفت - سست -	- تو - ما	چرخ چنبri و گرفتاری - تیر	گیتی	خیل و	دستوری
می دوید - تافتندی -		و کمان	دریا	خدم - سیاع	
آویختند - جان ببرد -		آفتاب و بام لازورد - سگ و محافظت	کوه	خرگوش	
خرید - می رفت - می آمد - می بینم - زده اند -		رنج و تنها بی - زیرک و		کبوتر	
التزامی: گنجد - به کار				آهو	

آورم - شوم - آیم -		کیاست		
آرد - کند - آید - زنی		کهتری و مهتری - سطوت و		
شکافد - دهد - رسانی -		شوکت		
نهی - گماری - گیری -		حشم و سروری - معسر و		
بندم - مانی - گردد -		مفلس		
بیفزاید - گریزد - گراید		همت و طلب- منقاد و مطواع		
- رسد - بریزد - آزرده		درندگی و گوشت خواری		
باشی - یابند - توانم بود -		اعوان و انصار - پلنگ و پنجه		
امری: تعریف فرمای -		نهنگ و ناب - بزرگی و تدبیر		
بازآیی - توبه کنی		- خواری و نیازمندی -		
		حضیض و ارتفاع -		

منابع (۱۳۷۹). تحلیل انتقادی گفتمان.

- تایسن، لیس (۱۳۸۷). نظریه‌های تقدیم ادبی معاصر. ترجمه مازیار حسینزاده و فاطمه حسینی. ویراسته حسین پاینده. تهران: نگاه امروز؛ حکایت قلم نوین.
- گروه مترجمان. تهران: مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۶). مرزبان نامه. چ سوم. تهران: اساطیر.
- مک دانل، دایان (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان. ترجمه حسین علی نوذری. تهران: فرهنگ گفتمان.
- لوته، یاکوب (۱۳۸۸). روایت در سینما و ادبیات. ترجمه امید نیک‌فر جام. چ ۲. تهران: مینوی خرد.
- یارمحمدی، لطف‌الله (۱۳۸۵). ارتباطات از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی. تهران: هرمس.
- یورگنسن، ماریان و لوئیز فیلیپس (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. مترجم هادی فتوحی، محمود (۱۳۹۰). سبک‌شناسی. تهران: سخن.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. ترجمه فاطمه شایسته‌پیران و دیگران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؛ نشر مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.

- دی والت، م ال. (۱۳۷۵). «چندگانگی قرائت رمان: جلیلی. تهران: نی.
- سازمان اجتماعی تفسیر». ترجمه ح چاوشیان، آقاجانی، سعادت (۱۳۹۰). «مقدمه‌ای بر تحلیل
ارغون، سال سوم، صص ۲۱۹-۱۸۱.
- گفتمان». کتاب ماه علوم اجتماعی، ش ۳۷،
رضایی. مهدی (۱۳۸۹). «مرزبان‌نامه یادگاری از
آقاگلزاده، فردوس (۱۳۸۶). «تحلیل گفتمان
ایران عهد ساسانی». پژوهشنامه زبان و ادبیات
انتقادی و ادبیات». مجله ادب پژوهی، دوره
فارسی (گوهر گویا). سال چهارم، شماره
اول، ش ۱۷-۲۷.
- اول، صص ۴۷-۶۸.